

بررسی ارتباط تعامل بین فرهنگی با صلاحیت بین فرهنگی با رویکرد معادلات ساختاری

(مورد مطالعه، دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان)

(صفحات ۳۷ تا ۵۹)

ولی محمد درینی^۱ * احسان نامدار جویمی^۲

پذیرش: ۹۷/۰۳/۲۱

دریافت: ۹۷/۰۲/۰۷

چکیده

افزایش تعامل بین دانشجویان بومی و غیربومی و از دو دسته شیعه و سنی و ... و از مناطق و سایر کشورها فرصتی جدید برای دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در دانشگاه سیستان و بلوچستان برای مشارکت در ارتباطات بین‌المللی و ملی و ارتباط میان فرهنگی فراهم کرده است. هدف از مطالعه حاضر بررسی ارتباط تعامل بین فرهنگی با صلاحیت بین فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد. تحقیق حاضر از لحاظ هدف در دسته پژوهش‌های کاربردی و از شاخه مطالعات میدانی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان است که حجم جامعه ۱۸۰۰۰ نفر است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده است. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان برابر با ۳۷۶ نفر است. در این پژوهش یک فرضیه کلی و سه فرضیه جزئی شکل گرفته است. در فرضیه اصلی رابطه بین تعامل بین فرهنگی با

۱. استادیار مدیریت بازرگانی دانشگاه پیام نور، تهران؛

Vm.darini@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت منابع انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسؤل)؛

Davood.joyame@gmail.com

بررسی ارتباط تعامل بین فرهنگی با صلاحیت بین فرهنگی با رویکرد معادلات ساختاری.....

صلاحیت بین فرهنگی و در فرضیات فرعی رابطه بین تعامل بین فرهنگی با ابعاد صلاحیت بین فرهنگی (دانش بین فرهنگی- مهارت بین فرهنگی- انگیزه بین فرهنگی) بررسی شده است که تمامی سوالات تأیید شده‌اند و رابطه معنادار را نشان داده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که چنانچه فردی دانش و مهارت و انگیزه بین فرهنگی داشته باشد و بتواند رفتار و گفتار شایسته با سایر فرهنگ‌ها بدون درگیری نظری و عملی داشته باشد، می‌توان بیان کرد که فرد دارای صلاحیت بین فرهنگی است. به عبارتی دیگر هر چه صلاحیت بین فرهنگی بالاتری بین دانشجویان باشد، تعامل بین فرهنگی از مذاهب مختلف و شهرهای مختلف در دانشگاه مشاهده می‌شود و دانشجویهای مختلفی با فرهنگ‌های مختلف باهم در تعامل خواهند بود.

واژگان کلیدی: صلاحیت بین فرهنگی، تعامل بین فرهنگی، دانش، مهارت، انگیزه.

مقدمه

افزایش تعامل بین دانشجویان بومی و غیربومی، فرصتی جدید برای دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در دانشگاه سیستان و بلوچستان برای مشارکت در ارتباطات بین‌المللی و ملی و ارتباط میان فرهنگی فراهم کرده است؛ انواع مختلفی از مسیرهای ارتباطی بین فرهنگی در این دانشگاه وجود دارد.

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، پژوهش‌های کمی درباره تماس‌ها و تعامل‌های بین فرهنگی انجام شده است، به خصوص تحقیقات در مورد ارتباط بین فرهنگی از منظر صلاحیت‌های بین فرهنگی (ICC) انجام شده است. ادبیات قبل از آن شامل مجموعه‌ای از مطالعات در مورد تماس‌های میان فرهنگی است که عمدتاً به محیط‌های مصنوعی و آزمایشگاهی محدود می‌شود (به عنوان مثال، Desforges et al, 1991; Gaertner, Mann, Dovidio, Murrell, & Pomare, 1990; Halualani, 1994; Smith, 2008). در راستای تئوری تماس آلپورت (۱۹۵۴)، بسیاری از محققان ایده‌های ارزشمندی را درباره ارتباط بین فرهنگی ایجاد کرده‌اند و به دنبال شناسایی جنبه‌های وضعیت تماس بین فرهنگی بوده‌اند که در آن مسائل به طور گسترده مورد بررسی قرار گرفته است (Halualani, 2008). بنابراین، مطالعات قبلی، شرایط، اثرات و پیامدهای ارتباط میان فرهنگی را تحلیل کرده و عوامل مؤثر بر فرآیند تماس میان گروهی را کشف کرده‌اند. علاوه بر این، تعداد زیادی از مطالعات در رابطه با ارتباط گروه بین گروهی، شرایط تماس میان گروهی، کاهش تعصب و تغییر نگرش وجود دارد؛ این مطالعات همچنین یک پایگاه گسترده‌ای برای ارتباط بین فرهنگی ارائه داده‌اند (Allport, 1954; Amir, 1976; Dovidio, Gaertner, & Kawakami, 1987; Stephan, 1987; Pettigrew, 1986; Halualani, 2008; 2003). در این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط تعامل بین فرهنگی با صلاحیت بین فرهنگی با رویکرد معادلات ساختاری هستیم. یافته‌های پیشین ارتباط بین فرهنگی با صلاحیت فرهنگی را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که ارتباط بین فرهنگی می‌تواند توسعه ICC دانشجویان را افزایش دهد (Kormos & Csizér, 2007).

اکثریت تحقیقات درباره ارتباط میان فرهنگی، شرایط تماس صحیح یا مطلوب را

بیان می کنند (مثلاً: «تماس باید داوطلبانه باشد»، «تماس باید به طور منظم و مکرر» باشد، «باید در میان افراد وضعیت اقتصادی اجتماعی مشابه» باشد) این نشان می دهد که بیشتر مطالعات تنها بر روی مخاطبی خاص که در شرایط مطلوب ظاهر شده اند متمرکز شده است. بنابراین، چنین مطالعاتی نمی توانند به طور مناسب بازخورد روزافزون مخاطب موجود و زندگی واقعی افراد را منعکس کنند (Bramel, 2004; Dixon, Durrheim, & Tredoux, 2005; Halualani, 2008). از این رو این پژوهش نه در محیطی آزمایشگاهی بلکه به صورت میدانی انجام شده است.

علاوه بر این، بررسی ارتباطات بین فرهنگی ایده آل ممکن است مخاطب بین گروهی و گروهی را در موقعیت های پیچیده و واقعی زندگی نادیده بگیرد (Connolly, 2000; Dixon et al, 2005; Halualani, Chitgopekar, Morrison, & Dodge, 2004; Pettigrew & Tropp, 2000). از این رو این پژوهش در محیط واقعی و مکانی که افراد هم تحصیل و هم زندگی می کنند به عنوان خانه دوم (دانشگاه) در نظر گرفته است.

اخیراً، تعداد قابل توجهی از تحقیقات روی تأثیرات ارتباطات بین فرهنگی با رویکردهای بین المللی و ملی دانشجویان در داخل و خارج از کشور از طریق تعامل با ساکنان کشورهای میزبان و شهرهای داخلی کشور (Campbell, 2012; Harrison, 2012; Kormos, Csizér, & Iwaniec, 2014; Mak, Brown, & Wadey, 2014) و ارتباط بین انگیزه یادگیری مخاطب بین فرهنگی و بین فرهنگی (Wadey, 2014) و ارتباط بین انگیزه یادگیری مخاطب بین فرهنگی و بین فرهنگی (Dunne, 2009, 2013; Matera, Stefanile, & Brown, 2012). تمرکز کرده است.

کرماس و سیزیر^۱ (۲۰۰۷) ارتباط بین فرهنگی را از دیدگاه یادگیری مورد بررسی قرار داده اند. آن ها یادآوری می کنند که ارتباط بین فرهنگی می تواند به توسعه ICC دانشجویان کمک کند، که نه تنها ارتباط مستقیم و غیرمستقیم بلکه برخورد بین فرهنگی از طریق برخی از آثار فرهنگی (مثلاً رسانه های الکترونیکی و یا چاپی) را تسهیل می کند (Kormos & Csizér, 2007).

بر اساس نظریه میان فرهنگی، مطالعه حاضر به دنبال بررسی ارتباط تعامل بین

1. Kormos and Csizér

فرهنگی با صلاحیت بین فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

ادبیات موجود، شواهد گسترده‌ای را نشان می‌دهد که ارتباط بین فرهنگی نقش مهمی در توسعه ICC دارد. برخی محققان استدلال می‌کنند که ارتباط مستقیم با فرهنگ‌های مختلف می‌تواند مهارت‌های فرهنگی بین‌المللی دانش‌آموزان را افزایش دهد (Campbell, 2012; Vezzali, Crisp, Stathi, & Giovannini, 2015; Yashima, 2010). ارتباط مستقیم دانشجویان با دانشجویان دیگر نشان می‌دهد که چنین ارتباطی می‌تواند توسعه ICC را به همراه داشته باشد (Campbell, 2012; Elola, 2012; Oskoz, 2008; Jackson, 2006; Zhang, Cheung, & Lee, 2012). استفاده از وبلاگ‌ها و جلسات با فرهنگ‌های مختلف، دانش‌آموزان را از جهت مختلف ICC توسعه می‌دهد (از درک تفاوت‌های فرهنگی تا نشان دادن نگرش‌های باز بودن و ارزیابی فرهنگ هدف) (Zhang et al, 2012). کمپیل^۱ (۲۰۱۲) ثابت می‌کند که تعامل بین فرهنگی تأثیر مثبتی بر توسعه ICC داشته است. جکسون (۲۰۰۶) دریافت که تجربه خارج از کشور حساسیت بین فرهنگی دانشجویان را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، برخی از محققان، بر اساس ابزارهای ارتباطی بین‌المللی، بر روی مخاطبین بین فرهنگی تأثیر گذاشتند و این ثابت کرد که چنین ارتباط میان فرهنگی با افراد دارای زمینه فرهنگی مختلف، برای بهبود ICC دانشجویان (Liaw & Johnson, 2001; Liaw, 2006; O'Dowd, 2007) مفید است و باعث رشد و ارتقا آن می‌شود.

استفاده از ابزارهای آنلاین و یا ابزار ارتباطی مانند ایمیل، انجمن‌های مختلف و اجلاس‌های ویدئویی برای اتصال کلاس‌های یادگیرندگان در نقاط مختلف جغرافیایی، به عنوان تسهیل توسعه مهارت‌های بین فرهنگی (ICC) است؛ لیا و جانسون (۲۰۰۱) اشاره کردند که ارتباط مستقیم با ارتباطات و تعامل الکترونیکی می‌تواند توسعه ICC را بهبود بخشد.

علاوه بر این، برخی از محققان تحقیقاتی در مورد مسائل مربوط به تماس مستقیم، مانند دانش‌آموزانی با تجربه بین فرهنگی، ارتباط بین فرهنگی در محوطه دانشگاه،

1. Campbell

تحصیل در خارج از کشور و برنامه‌های تبادل نظر را انجام داده‌اند (Huang, 2012; Wang, 2010; Zhang & Ding, 2010). به‌عنوان مثال، دانشجویان با داشتن برخی از تجربه‌های بین فرهنگی با کسانی که دارای تجربه بین فرهنگی نیستند، از دیدگاه آگاهی بین فرهنگی، بهتر عمل می‌کنند (Wang, 2010). بررسی ارتباط میان فرهنگی در محوطه دانشگاه نشان می‌دهد که دانشجویان از ارتباط بین فرهنگی قابل توجهی برخوردار هستند (Huang, 2012). علاوه بر این، از طریق بررسی مختصری از مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها، ارتباط مستقیمی با دانشجویان خارجی از طریق تحصیل در خارج از کشور و برنامه‌های مبادله، ثابت کرده است که ICC دانشجویان را افزایش می‌دهد (Huang, 2012).

برخی از مطالعات مربوط به تماس‌های غیرمستقیم نیز تأثیر مثبتی بر توسعه دانشجویان ICC داشته‌اند که شامل فعالیت‌هایی مانند قرار گرفتن دانشجویان در محصولات فرهنگی خارجی و مصنوعات (فیلم، کتاب، مجله و موسیقی) (Dörnyei & Csizér, 2005; Kormos & Csizér, 2007) است. علاوه بر این، ساخت محیط‌های آنلاین و انجمن‌های الکترونیکی برای افزایش دانش آموزان برای درک فرهنگ خود و فرهنگ خارجی و تحریک علاقه دانشجویان به فرهنگ‌ها و شیوه‌های مختلف در مواجهه با مشکلات فرهنگی مفید است (Liaw, 2006).

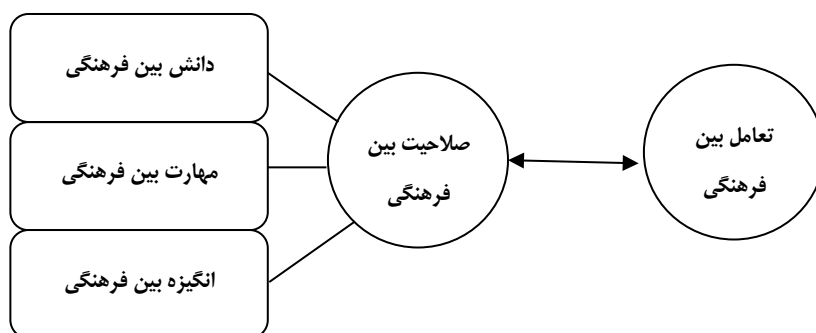
با توجه به تماس غیرمستقیم، برخی از محققان نیز اثرات محصولات فرهنگی و چندرسانه‌ای (برنامه‌های تلویزیونی و فیلم) را بر توسعه ICC دانشجویان مطالعه کرده‌اند. به‌عنوان مثال، لیو و فن (۲۰۰۴) استدلال کردند که برنامه‌های تلویزیونی از انواع فرهنگ‌های مختلف نقش مهمی را در معرفی فرهنگ خارجی و بهره‌گیری از فرهنگ خارجی و داخلی ایفا می‌کند. ژانگ (۲۰۱۰) اشاره کرد که تماشای فیلم‌های انگلیسی ممکن است علاقه‌ی دانش آموزان به فرهنگ انگلیسی را افزایش داده و درک خود را از فرهنگ خارجی افزایش دهد. محققان دیگر نیز نشان داده‌اند که تماشای فیلم تأثیر مثبتی بر افزایش ICC دانشجویان دارد (Li, 2009; Mo, 2008). سؤال پژوهش عبارت است از اینکه آیا تعامل بین فرهنگی با صلاحیت بین فرهنگی رابطه معناداری دارد؟ و در این راستا فرضیات زیر شکل گرفته است.

۱. فرضیه اصلی پژوهش

- تعامل بین فرهنگی باصلاحیت بین فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان رابطه معناداری دارد.

فرضیات فرعی پژوهش

- ۱- تعامل بین فرهنگی با دانش بین فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان رابطه معناداری دارد.
- ۲- تعامل بین فرهنگی با مهارت بین فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان رابطه معناداری دارد.
- ۳- تعامل بین فرهنگی با انگیزه بین فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان رابطه معناداری دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

تعامل و ارتباط بین فرهنگی: تئوری ارتباط بین فرهنگی بعد از جنگ جهانی دوم ظاهر شد. برخی از محققان نظیر آلپورت (۱۹۵۴) ابتدا سیستم نظری نظریه تماس گروهی را پیشنهاد دادند، همچنین فرضیه تماس را نام بردند و راهکارهای مؤثر برای کاهش تعصب بین گروهی را مورد بررسی قرار دادند (Allport, 1954). موضوع اصلی این نظریه شامل بحث در مورد چگونگی کاهش بی‌نظمی بین گروهی در مورد تماس گروهی است. علاوه بر این، عوامل مختلفی که بر مخاطبین گروهی تأثیر می‌گذارد، در چهار شرایط مطلوب مورد بررسی قرار می‌گیرند: (۱) وضعیت مساوی، (۲) اهداف مشترک، (۳) همکاری بین گروهی و (۴) حمایت متقابل از مقامات، قوانین و آداب و

رسوم (Allport, 1954: 537) این فرضیه توجه بیشتری را در میان دانشمندان به خود اختصاص داده است، و به دلیل پایه اجتماعی پیوستگی منطقی آن که در آن مخاطب می تواند نگرش ها و رفتارهای گروه ها و افراد را نسبت به یکدیگر تغییر دهد، به نوبه خود، این تغییرات بر ارتباط بعدی آن ها تأثیر می گذارد (Kormos et al, 2014).

فرضیه الپورت در سال ۱۹۵۴ دارای ویژگی های اجتماعی و روان شناختی است. نتایج نشان می دهد که ارتباط مکرر و دلپذیر می تواند اعتماد به نفس دانشجویان را افزایش داده و انگیزه مثبت را تحت تأثیر قرار دهد. به همین ترتیب، برخی از محققان موضوعاتی را در مورد اثرات مخاطب میان گروهی و تجربه سفر بر انگیزه نگرش و یادگیری اختصاص داده اند. یادگیری یک مطالعه مربوط به تأثیر تماس گروهی در یک محیط بین فرهنگی و میان فرهنگی است؛ نتایج نشان می دهند که ارتباط بین فرهنگی نه تنها با تماس مستقیم و غیرمستقیم بین فرهنگی ارتباط دارند بلکه همچنین با محصولات فرهنگی نیز ارتباط دارند (Kormos & Csizér, 2007: 244).

یافته های پیشین ارتباط بین فرهنگی با صلاحیت فرهنگی را نشان می دهد و ثابت می کند که ارتباط بین فرهنگی می تواند توسعه ICC دانشجویان را افزایش دهد (Kormos & Csizér, 2007). ارتباط میان فرهنگی شامل دو بخش است. یکی از آن ها تماس مستقیم است، یعنی مخاطب مستقیم سخن گفته و ارتباط مستقیم با دیگران برقرار می کند؛ دیگری ارتباط غیرمستقیم است، یعنی تماس مستقیم بین فردی و محصولات فرهنگی غیرمستقیم، از جمله کسانی که با محصولات فرهنگی مختلف در یک فرهنگ ارتباط دارند مانند تلویزیون، اینترنت، کتاب ها، فیلم ها، مجلات و روزنامه ها (Kormos & Csizér, 2007).

صلاحیت بین فرهنگی: شایستگی یا صلاحیت بین فرهنگی (ICC) تعاریف متعددی در طیف گسترده ای از رشته ها، زمینه ها، رویکردها و پارادایمی ها در ادبیات در طی پنج دهه گذشته دارد؛ با این حال، توافق بین محققان ICC این است که ICC به عنوان مجموعه ای از توانایی ها برای تعامل مؤثر و مناسب بین فرهنگ ها در زمینه های مختلف توصیف شده است (Arasaratnam, 2015, 2016; Hammer, 2015; Liu, 2012). در صلاحیت به «اثربخشی» و «مناسب بودن» به عنوان معیار اصلی برای بررسی ارتباطات بین فرهنگی تأکید شده است. دانش، مهارت ها و نگرش برای ارزیابی ICC فرد از

حوزه‌های غربی، به‌ویژه در ایالات متحده و اروپا استفاده می‌شود (Deardorff, 2015). ICC توسط لوزیگ و کوستر^۱ (۱۹۹۳) چندین مؤلفه اصلی دارد: دانش، انگیزه و رفتار، ارتباطات و زمینه، سازگاری و اثربخشی. اهمیت روابط و زمینه نیز در ارتباطات بین فرهنگی تأکید شده است. اجزایی مانند دانش، مهارت و انگیزه برای تعیین ICC ضروری است. علاوه بر این، اجزای دیگر ICC، مانند نگرش و آگاهی، در جوامع مدرن چندبعدی اروپایی شامل دانش، مهارت، نگرش و آگاهی میان فرهنگی بین فرهنگی است، مورد بحث قرار گرفته شده است. بعدها، عناصری مانند دانش، نگرش‌ها، مهارت‌ها و آگاهی به‌عنوان هسته‌ای برای ICC در مطالعات توسط فانتینی^۲ (۲۰۰۰، ۲۰۰۶) در نظر گرفته شده است.

متغیرهای دیگر نیز به‌عنوان ابعاد ICC شناخته شده‌اند، از جمله نگرش مثبت نسبت به سایر فرهنگ‌ها و همدلی (Arasaratnam & Doerfel, 2005)، سلامت جسمانی افراد (Sandage & Jankowski, 2013)، شناخت سایر فرهنگ‌ها (Pettigrew, 2008; Pettigrew & Tropp, 2011) و کنجکاوی (Deardorff, 2006) است. این مباحث مربوط به اجزاء یا متغیرهای ICC به‌طور معمول، رویکرد متداول سنتی جریان اصلی را از دیدگاه ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری از مبانی تحلیلی متغیر تحقیق در ICC در ۵۰ سال گذشته در نظر گرفته است (Arasaratnam, 2015, 2016; J. M. Bennett, 2013; Hammer, 2015).

وو و همکاران^۳ (۲۰۱۳) ابزار پیشنهادی برای ارزیابی ICC پیشنهاد داده‌اند که در آن شش عامل شناسایی شده است که مهم‌ترین اهمیت در اندازه‌گیری ICC را دارد: دانش خود، دانش دیگران، مهارت‌های ارتباطی بین فرهنگی، دانش خود و نگرش، مهارت‌های شناختی بین فرهنگی، و آگاهی. علاوه بر این، پنگ، وو و فن (۲۰۱۵) از روش ارزیابی جامع‌فازی استفاده می‌کنند. از طریق بررسی اجمالی کارشناسان در مورد اهمیت هر شاخص اندازه‌گیری ICC و ایجاد یک مدل ارزیابی جامع، برای ارزیابی ICC دانشجویان ارزش‌قائل می‌شوند. مطالعه آن‌ها یکی از روش‌های مؤثر و عملی ارزیابی ICC بوده است.

1. Lustig and Koester

2. Fantini

3. Wu et al

۲. روش‌شناسی پژوهش

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه تعامل بین فرهنگی با صلاحیت بین فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان است. تحقیق حاضر از لحاظ هدف در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، تحقیق توصیفی (غیرآزمایشی) و از شاخه مطالعات میدانی محسوب می‌شود و از جنبه ارتباط بین متغیرهای تحقیق از نوع همبستگی است. روش انجام تحقیق به صورت پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان است که حجم جامعه ۱۸۰۰۰ نفر است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده است (هر دانشکده به صورت یک خوشه در نظر گرفته شده است و سپس متناسب با درصد هر خوشه از کل جامعه نمونه مورد نظر توزیع شده است). حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و فرمول کوکران با خطای ۰,۰۵ برابر با ۳۷۶ نفر است. برای افزایش اعتبار و اطمینان در یافته‌های پژوهش تعداد نمونه را به تعداد ۳۹۰ نفر افزایش داده‌ایم.

در این پژوهش، برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد (غیربومی) استفاده شده است. لذا برای بومی‌سازی پرسش‌نامه‌های مورد استفاده روایی و پایایی آن‌ها مجدداً بازآزمایی شده است تا در صورت لزوم اصلاحاتی در آن انجام شود. نتایج آن در ادامه پژوهش قابل مشاهده است. لازم به توضیح است که روایی صوری پرسشنامه‌ها توسط خبرگان دانشگاهی و استادان دانشگاه مورد تأیید قرار گرفته است. پرسشنامه‌ها بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت طراحی شده‌اند.

جدول ۱. متغیرها و ابعاد و پرسش‌نامه مورد استفاده در فرایند پژوهش

متغیر	سؤالات	منبع پرسش‌نامه
تعامل بین فرهنگی	۵۲	Kormos and Csizér's (2007)
صلاحیت بین فرهنگی	۱۸	Wu et al. (2013)
دانش بین فرهنگی	۶	Wu et al. (2013)
مهارت بین فرهنگی	۶	Wu et al. (2013)
انگیزه بین فرهنگی	۶	Wu et al. (2013)

جامعه مورد بررسی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان انتخاب شده است که این افراد نقش به‌سزایی در تولید و بازتولید فرهنگ دارند و با توجه به اینکه دانشگاه سیستان و بلوچستان یک دانشگاه سراسری است از مناطق مختلف کشور با طبقه‌های مختلف

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آن جمع می‌شوند. همچنین از دو گروه مذهبی شیعه و سنی در این دانشگاه حضور دارند و برخی از دانشجویان خارجی و اقلیت‌های دینی از جمله مسیحیت، یهودی و زرتشتی نیز در آن حضور دارند. لذا می‌توان گفت از فرهنگ‌های مختلفی در این دانشگاه حضور دارند و مطالعه تعامل بین فرهنگی و میزان برخورداری از صلاحیت بین فرهنگی در بین دانشجویان در این دانشگاه (سیستان و بلوچستان) دارای ارزش و اهمیت است و در این پژوهش به آن توجه شده است.

برای بررسی روابط علی بین متغیرها به صورتی منسجم از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS Smart استفاده شده است. این تکنیک امکان بررسی روابط متغیرهای پنهان و سنجه‌ها (متغیرهای قابل مشاهده) را به صورت همزمان فراهم می‌کند. همچنین این تکنیک دارای قدرت پیش‌بینی مناسب است و زمانی که در مدل تعداد زیادی از سازه‌ها یا شاخص‌ها وجود داشته باشند، می‌توانند به خوبی مدل را برازش کنند. لذا قبل از بررسی سؤالات پژوهش باید پایایی و روایی ابزار پژوهش مورد تأیید قرار گیرد و سپس به آزمون فرضیات پژوهش اقدام کرد. از این رو در ادامه پایایی و روایی ابزار و متغیرهای پژوهش انجام خواهد شد و در ادامه نیز آزمون فرضیات پژوهش صورت خواهد گرفت.

جدول (۲) نتایج خروجی نرم‌افزار را در خصوص شاخص‌های پایایی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. پایایی متغیرهای پژوهش (آلفای کرون باخ، پایایی مرکب)

متغیر	آلفای کرون باخ	پایایی مرکب	نتیجه آزمون
تعامل بین فرهنگی	۰,۷۲	۰,۷۶	قابل قبول
صلاحیت بین فرهنگی	۰,۷۰	۰,۷۶	قابل قبول
دانش بین فرهنگی	۰,۸۴	۰,۸۵	قابل قبول
مهارت بین فرهنگی	۰,۸۴	۰,۸۶	قابل قبول
انگیزه بین فرهنگی	۰,۸۶	۰,۸۷	قابل قبول

نتایج بررسی آلفای کرون باخ که برای بررسی پایایی یا سازگاری درونی بین متغیرهای مشاهده‌پذیر در یک مدل اندازه‌گیری انعکاسی است. مقدار پیشنهادی و

بررسی ارتباط تعامل بین فرهنگی با صلاحیت بین فرهنگی با رویکرد معادلات ساختاری.....

قابل قبول آلفای کرون باخ^۱ بیشتر از ۰,۷ است که قابل قبول بودن این شاخص را نشان می‌دهد. شاخص آلفای کرون باخ فرض بر این دارد که متغیرهای مشاهده‌پذیر هر مدل اندازه‌گیری دارای وزن‌های یکسانی هستند و در واقع اهمیت نسبی آن‌ها را باهم برابر می‌گیرد. برای رفع این مشکل از شاخص پیشنهادی ورتس و همکاران (۱۹۷۴) با عنوان پایایی مرکب کمک گرفته می‌شود. مقادیر پیشنهادی و قابل قبول پایایی مرکب نیز بیشتر از ۰,۷ است.

در این پژوهش همان‌طور که در جدول بالا قابل مشاهده است تمامی شاخص‌های به دست آمده برای آلفای کرون باخ و پایایی مرکب بالای ۰,۷ می‌باشند، لذا میزان پایایی پرسش‌نامه مورد استفاده در این پژوهش تأیید می‌شود. برای سنجش میزان تبیین متغیر پنهان توسط متغیرهای مشاهده‌پذیر از شاخص روایی همگرا^۲ استفاده می‌شود. برای شاخص متوسط واریانس استخراج شده (AVE) حداقل مقدار ۰,۵، مقدار قابل قبولی است. جدول (۳) میانگین واریانس استخراج شده هر یک از متغیرهای مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳. میانگین واریانس استخراج شده

متغیر	متوسط واریانس استخراج شده (AVE)
تعامل بین فرهنگی	۰,۶۴
صلاحیت بین فرهنگی	۰,۶۶

با توجه به اینکه تمامی مقادیر متوسط واریانس استخراج شده هر چهار متغیر پژوهش بالاتر از ۰,۵ است. لذا می‌توان گفت که پرسشنامه پژوهش از روایی همگرای مطلوبی برخوردار است.

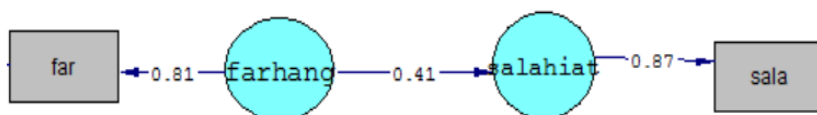
۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. آزمون مدل مفهومی پژوهش

در پژوهش حاضر، از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات ساختاری به کمک نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است.

1. Cronbach

2. Convergent Validity



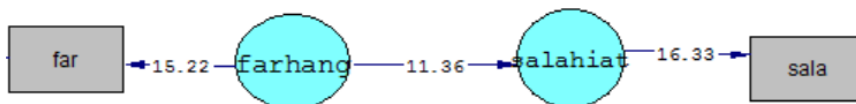
شکل ۲. مدل فرضیه اصلی در حالت تخمین استاندارد (ضرایب مسیر)

جدول ۴. مدل فرضیات فرعی در حالت تخمین استاندارد (ضرایب مسیر)

فرضیات فرعی	ضرایب مسیر	نتیجه آزمون
۱ تعامل بین فرهنگی و دانش بین فرهنگی	۰,۳۴	ارتباط دارد
۲ تعامل بین فرهنگی و مهارت بین فرهنگی	۰,۴۱	ارتباط دارد
۳ تعامل بین فرهنگی و انگیزه بین فرهنگی	۰,۳۶	ارتباط دارد

مدل در حالت تخمین استاندارد، نشان دهنده ضرایب مسیر و نشان دهنده شدت و میزان اثر است.

مدل فرضیه اصلی در حالت ضرایب معناداری



شکل ۳. مدل فرضیات اصلی در حالت ضرایب معناداری (اماره تی)

جدول ۵. مدل فرضیات فرعی در حالت ضرایب معناداری (اماره تی)

فرضیات فرعی	ضرایب معناداری (اماره تی)	نتیجه آزمون
۱ دانش بین فرهنگی	۱۲,۳۳	معنادار است
۲ مهارت بین فرهنگی	۱۴,۲۹	معنادار است
۳ انگیزه بین فرهنگی	۱۶,۲۲	معنادار است

مدل در حالت ضرایب معناداری با توجه به ضریب خطای آزمون (۰,۰۵) در این پژوهش) نشان دهنده معناداری مسیر است و چنانچه بالای ۱,۹۶ باشد نشان دهنده معنادار

بررسی ارتباط تعامل بین فرهنگی با صلاحیت بین فرهنگی با رویکرد معادلات ساختاری.....

بودن مسیر است. همان‌طور که در شکل بالا قابل مشاهده است تمامی مسیرهای آزمون معنادار می‌باشند.

۲-۳. برازش مدل اندازه‌گیری

معیار توان دوم همبستگی^۱ که ضریب تعیین نیز نامیده می‌شود، نشان دهنده قدرت پیش بینی متغیر وابسته از روی متغیرهای مستقل است. بر اساس نتایج این آزمون تعامل بین فرهنگی قادر به تبیین ۰,۶۸ درصد از صلاحیت بین فرهنگی است.

جدول ۶. مقدار ضریب تعیین (R2)

متغیر	ضریب تعیین
تعامل بین فرهنگی	---
صلاحیت بین فرهنگی	۰,۶۸

مدل‌هایی که با رویکرد واریانس محور از طریق نرم افزارهای واریانس محور مانند Smart PLS مورد بررسی قرار می‌گیرند، فاقد شاخصی کلی برای نگاه به مدل به صورت یکجا هستند؛ یعنی شاخصی برای سنجش کل مدل شبیه به رویکرد کوواریانس محور (مانند رویکرد نرم افزار لیزرل) وجود ندارد. اما در تحقیقات مختلف توسط تننهاوس^۲ و همکاران (۲۰۰۵) در این حوزه پیشنهاد شد که از شاخصی به نام GOF استفاده کرد. این شاخص هر دو مدل ساختاری و اندازه‌گیری را به صورت یک‌جا در نظر گرفته و کیفیت آن‌ها را مورد آزمون قرار می‌دهد. این شاخص به صورت مجذور حاصل ضرب میانگین ضریب تعیین و میانگین مقادیر اشتراکی است و به صورت دستی محاسبه می‌شود.

$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

از آنجا که این مقدار به دو شاخص مذکور وابسته است، حدود این شاخص بین صفر و یک بوده و وتزلس و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰,۰۱؛ ۰,۲۵ و ۰,۳۶ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف؛ متوسط و قوی برای GOF معرفی نمودند.

1. R Square
2. Tenenhaus

جدول ۷. نتایج برازش مدل کلی

GOF
۰,۴۲

با توجه به مقدار به دست آمده برای GOF به میزان ۰,۴۲ بوده که بالاتر از مقدار پیشنهادی ورتلس و همکاران^۱ (۲۰۰۹) یعنی ۰,۳۶ است که قوی بودن مدل را نشان می دهد و بنابراین نشان دهنده برازش مناسب و قابل قبول مدل کلی پژوهش است.

۴. بحث و نتیجه گیری

هدف از مطالعه حاضر بررسی ارتباط تعامل بین فرهنگی باصلاحیت بین فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد. از این رو برای این هدف یک فرضیه کلی و سه فرضیه جزئی شکل گرفته است. در فرضیه اصلی رابطه بین تعامل بین فرهنگی باصلاحیت بین فرهنگی (دانش بین فرهنگی - مهارت بین فرهنگی - انگیزه بین فرهنگی) بررسی شده است که تمامی فرضیات تأیید شده اند و رابطه معنادار را نشان داده اند که میزان آن ها به ترتیب برای فرضیه اصلی و فرضیات فرعی عبارت اند از: ۰,۴۱، ۰,۳۴، ۰,۴۱، ۰,۳۶.

یافته ها حاکی از آن است که تعامل بین فرهنگی باصلاحیت بین فرهنگی رابطه معنادار دارد و این میزان به صورت مثبت و خطی است. این بدان معناست که با افزایش یک واحدی در تعامل بین فرهنگی، میزان صلاحیت باید به میزان ۰,۴۱ واحد افزایش داشته باشد و یا به عبارتی هر چه صلاحیت بین فرهنگی بالاتری بین دانشجویان باشد، تعامل بین فرهنگی از مذاهب مختلف و شهرهای مختلف در دانشگاه مشاهده می شود و دانشجویهای مختلفی با فرهنگ های مختلف باهم در تعامل خواهند بود. یافته ها ارتباط بین فرهنگی باصلاحیت فرهنگی را نشان می دهد و ثابت می کند که ارتباط بین فرهنگی می تواند توسعه ICC دانشجویان را افزایش دهد (Kormos & Csizér, 2007). این مورد یافته های این پژوهش را تأیید می کند و نشان می دهد بین تعامل بین فرهنگی

1. Wetzels

باصلاحیت بین فرهنگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارتی هر چه افراد دانش بین فرهنگی بیشتری داشته باشند می‌توانند تعامل بین فرهنگی بهتر و مثبت‌تری برقرار کنند. افراد باید نسبت به فرهنگ مقابل دانش داشته باشند و خط قرمزهای فرهنگ‌های مختلف و قوانین و دستورات فرهنگ خود و فرهنگ مقابل را اطلاع داشته باشند و تا جایی که امکان دارد به گونه‌ای عمل شود تا در تعارض با فرهنگ مقابل قرار نگیرد. برای مثال در دانشگاه زاهدان دانشجویان با فرهنگ‌های مختلف حضور دارند. در این فرهنگ‌ها موارد ضد و نقیض بسیار وجود دارد و در صورتی که توسط سایر افراد مدیریت نشود می‌تواند به درگیری بین فرهنگی منجر شود و در نهایت به نزاع ختم شود. لذا دانشجویان باید نسبت به سایر فرهنگ‌های مختلف اطلاعات و دانش داشته باشند و خط قرمزهای هر فرهنگ را رعایت کنند. دانستن تفاوت‌های بین فرهنگی کفایت نمی‌کند و باید در عمل آن را به کار بست و به مرور زمان مهارت زبانی و رفتاری در برخورد با سایر فرهنگ‌های مختلف در دانشگاه و بیرون از دانشگاه را به دست آورند. همین‌طور انگیزه بین فرهنگی در بین تمامی گروه‌های فرهنگی باید وجود داشته باشد. این بدان معناست که افراد باید روحیه و انگیزه تقریب بین فرهنگی داشته باشند و صرفاً فرهنگ خود را برتر شمارند. چنانچه فردی دانش، مهارت و انگیزه بین فرهنگی داشته باشد و بتواند رفتار و گفتار شایسته با سایر فرهنگ‌ها بدون درگیری نظری و عملی داشته باشد می‌توان گفت این فرد دارای صلاحیت بین فرهنگی است. در این راستا می‌توان سایر دانشگاه‌های بین‌المللی درون کشور و بیرون از کشور را به عنوان الگو قرار داد و نحوه ارتباط و تعامل بین فرهنگی در آن‌ها بررسی و بومی‌سازی شود و در دانشگاه‌های مختلف کشور پیاده‌سازی شود.

محققان استدلال می‌کنند که ارتباط مستقیم با فرهنگ‌های مختلف می‌تواند مهارت‌های فرهنگی بین‌المللی دانشجویان را افزایش دهد (Campbell, 2012; Vezzali, Crisp, Stathi, & Giovannini, 2015; Yashima, 2010). ارتباط مستقیم دانشجویان با دانشجویان دیگر نشان می‌دهد که چنین ارتباطی می‌تواند توسعه ICC را به همراه داشته باشد (Campbell, 2012; Elola & Oskoz, 2008; Jackson, 2006; Zhang, Cheung, & Lee, 2012). زمانی که فردی در شرایط متغیر قرار گیرد خود را با آن مطابقت می‌دهد. از این رو در حالتی که دانشجویان با طرز تفکر و رفتار مختلف

در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند هر چه صلاحیت بین‌فرهنگی و شایستگی فرهنگی بیشتری داشته باشند، می‌توانند تعامل و ارتباطات سازنده‌تری در این بین داشته باشند و کم‌تر دچار تعارض و تناقض فرهنگی و بین‌فرهنگی شوند. لذا به مسئولان دانشگاهی پیشنهاد داده می‌شود که الگوهای مختلف رفتاری بین فرهنگ‌های مختلف دانشجویان شناسایی شود و دانشجویان به گونه‌ای دسته‌بندی شوند که افرادی که تعارض بین فرهنگی بیشتری دارند کم‌تر با سایر فرهنگ‌ها ارتباط داشته باشند مثلاً یک گروه از افراد با طرز تفکر خاص در خوابگاه به صورت جداگانه قرار می‌گیرند تا تعامل غیر سازنده کم‌تری در محیط دانشگاه ایجاد شود. از معرفی مسئولین باید فرهنگ‌های مختلف در دانشگاه را شناسایی و طبقه‌بندی کنند و موارد و مسائل مهم که ممکن است درگیری بین فرهنگی ایجاد کند را در ورود دانشجو به محیط دانشگاهی به فرد اطلاع‌رسانی کنند که در برخورد با سایر افراد باید به این گونه رفتار کرد و یا رفتار نکرد. همین‌طور وجود فیلم‌های آموزشی و ایجاد تعامل سازنده بین افراد مختلف و برگزاری اردوهای آموزشی، پژوهشی و تفریحی و آزمایشگاه‌های درسی و غیردرسی می‌تواند در نزدیک کردن دانشجویان نقش مهمی داشته باشد و صلاحیت بین‌فرهنگی را در بین دانشجویان تقویت کند.

کمپبل (۲۰۱۲) ثابت می‌کند که تعامل بین فرهنگی تأثیر مثبتی بر توسعه ICC داشته است. هر چه افراد در محیطی سالم و کنترل‌شده با افراد دیگر از فرهنگ‌های مختلف تعامل داشته باشند بیشتر به هم قرابت معنایی پیدا می‌کنند و شعور متعارف در بین آن‌ها افزایش خواهد یافت، ترس آن‌ها از بین خواهد رفت و راحت‌تر با سایر افراد از فرهنگ‌های مختلف و متناقض بدون حاشیه ارتباط و تعامل برقرار می‌کنند. این مورد یافته‌های این پژوهش را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که یافته‌های پژوهش، نتایج پژوهش‌های مشابه را تأیید می‌کند.

دانشجویانی با داشتن برخی از تجربه‌های بین فرهنگی نسبت به کسانی که دارای تجربه بین فرهنگی نیستند، از دیدگاه آگاهی بین فرهنگی بهتری برخوردار هستند (Wang, 2010). این مهم نشان می‌دهد افرادی که در محیطی سالم و کنترل‌شده با سایر فرهنگ‌ها در تعامل و ارتباط هستند، در برخوردهای بعدی با صلاحیت بهتر و بالاتری ارتباط برقرار می‌کنند و رفتار و گفتار بین فرهنگی شایسته‌تری را خواهند

بررسی ارتباط تعامل بین فرهنگی با صلاحیت بین فرهنگی با رویکرد معادلات ساختاری.....

داشت. لذا به استادان و مسئولین دانشگاهی پیشنهاد داده می‌شود در کلاس‌های درسی و همایش‌های داخل دانشگاهی، در ارتباط با سایر فرهنگ‌ها اطلاع‌رسانی شود و زمینه نزدیکی فرهنگی افراد از فرهنگ‌های مختلف اندیشیده شود و برای آن برنامه‌ریزی و سازماندهی شود و سپس در محیطی کنترل‌شده هدایت بین فرهنگی انجام شود. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که دارای محدودیت‌های زمانی و مکانی است و این پژوهش نیز از این امر مستثنا نیست، ولی با توجه به اینکه این محدودیت‌ها جزئی از هر پژوهش محسوب می‌شوند و جز لاینفک پژوهش‌های انسانی می‌باشند از بیان آن‌ها صرف‌نظر شده است. در نهایت به سایر پژوهشگران پیشنهاد داده می‌شود که این عنوان را در سازمان‌های دیگر بررسی کرده و نتایج آن را با نتایج این پژوهش مقایسه کنند و پیشنهاد داده می‌شود که ارتباط متغیرهای به کار بسته‌شده در این پژوهش را با سایر متغیرهای سازمانی بررسی کنند.

منابع

1. Allport, W. G (1954), The nature of prejudice. Cambridge, MA: Addison-Wesley. Amir, Y (1969), Contact hypothesis in ethnic relations. Psychological Bulletin, 71, 319–341.
2. Amir, Y (1976), The role of intergroup contact in change of prejudice and ethnic relations. In P. A. Katz (Ed), Towards the elimination of racism (pp.245–308). New York: Pergamon.
3. Arasaratnam, L. A (2015), Research in intercultural communication: reviewing the past decade. Journal of International & Intercultural Communication, 8(4), 290–310.
4. Arasaratnam, L. A (2016), Intercultural competence. In J. Nussbaum (Ed.), Oxford research encyclopedia of communication (pp. 1–23).
5. Arasaratnam, L. A, & Doerfel, M. L (2005), Intercultural communication competence: identifying key components from multicultural perspectives. International Journal of Intercultural Relations, 29(2), 137–163.
6. Bennett, J. M (2013), Intercultural competence: vital perspectives for diversity and inclusion. In B. M. Ferdman, & B. R. Deane (Eds), Diversity at work: the practice of inclusion (pp. 155–176).
7. Bramel, D (2004), The strange career of the contact hypothesis. In Y. T. Lee, C. McAuley, F. Moghaddam, & S. Worchel (Eds.), The psychology of ethnic and cultural conflict (pp. 49–67).
8. Clevedon, UK: Multilingual Matters. Campbell, N (2012), Promoting intercultural contact on campus: a project to connect and engage international and host students? Journal of Studies in International Education, 16(3), 205–227.
9. Csizér, K, Kormos, J (2008), The relationship of intercultural contact and language learning motivation among Hungarian students of English and German. Journal of Multilingual and Multicultural Development, 29(1), 30–48.

10. Deardorff, D. K (2006), Identification and assessment of intercultural competence as a student outcome of internationalization. *Journal of Studies in International Education*, 10(3), 241–266.
11. Deardorff, D. K (2015), Intercultural competence: mapping the future research agenda. *International Journal of Intercultural Relations*, 48, 3–5.
12. Desforges, D. M., Lord, C. G, Ramsey, S. L, Mason, J. A, Van Leeuwen, M. D, West, S. C, et al (1991), Effects of structured cooperative contact on changing negative attitudes toward stigmatized groups. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60(4), 531–544.
13. Dixon, J, Durrheim, K, & Tredoux, C (2005), Beyond the optimal contact strategy: a reality check for the Contact Hypothesis. *American Psychologist*, 60(1), 697–711.
14. Dörnyei, Z, Csizér, K (2005), The effects of intercultural contact and tourism on language attitudes and language learning motivation. *Journal of Language and Social Psychology*, 24(4), 327–357.
15. Dovidio, J. F, Gaertner, S. L, & Kawakami, K (2003), Intergroup contact: the past, present, and the future. *Group Processes & Intergroup Relations*, 6(1), 5–21.
16. Dunne, C (2009), Host students' perspectives of intercultural contact in an Irish university. *Journal of Studies in International Education*, 13(2), 222–239.
17. Dunne, C (2013), Exploring motivations for intercultural contact among host country university students: an Irish case study. *International Journal of Intercultural Relations*, 37(5), 567–578.
18. Elola, I, Oskoz, A (2008), Blogging: fostering intercultural competence development in foreign language and study abroad contexts. *Foreign Language Annals*, 41(3), 454–477.

19. Gaertner, S. L, Mann, J. A, Dovidio, J. F., Murrell, A. J, Pomare, M (1990), How does cooperation reduce intergroup bias? *Journal of Personality and Social Psychology*, 59(4), 692–704.
20. Halualani, R. T (2008), How do multicultural university students define and make sense of intercultural contact? A qualitative study. *International Journal of Intercultural Relations*, 32(1), 1–16.
21. Halualani, R. T, Chitgopekar, A., Morrison, J. H. T. A, & Dodge, P. S. W. (2004). Who's interacting? And what are they talking about?—intercultural contact and interaction among multicultural university students. *International Journal of Intercultural Relations*, 28(5), 353–372.
22. Hammer, M. R (2015), The Developmental paradigm for intercultural competence research. *International Journal of Intercultural Relations*, 48, 12–13.
23. Harrison, N (2012), Investigating the impact of personality and early life experiences on intercultural interaction in internationalised universities. *International Journal of Intercultural Relations*, 36(2), 224–237.
24. Huang, Y. Y (2012), The impact of intergroup contact on intercultural communicative competence. Nanning, China: Guangxi University [Unpublished masterthesis].
25. Jackson, J (2006), Ethnographic preparation for short-term study and residence in the target culture. *International Journal of Intercultural Relations*, 30(1), 77–98.
26. Kormos, J, Csizér, K (2007), An interview study of inter-cultural contact and its role in language learning in a foreign language environment. *System*, 35(2), 241–258.
27. Kormos, J, Csizér, K, Iwaniec, J (2014), A mixed-method study of language-learning motivation and intercultural contact of

- international students. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 35(2), 151–166.
28. Li, Y (2009), The effects of Film and audio-visual teaching on intercultural competence. *Movie Review*, 10, 65–66.
29. Liaw, M. L, Johnson, R. J (2001), E-mail writing as a cross-cultural learning experience. *System*, 29(2), 235–251.
30. Liu, S (2012), Rethinking intercultural competence: global and local nexus. *Journal of Multicultural Discourses*, 7(3), 269–275.
31. Mak, A. S, Brown, P. M, Wadey, D (2014), Contact and attitudes toward international students in Australia: intergroup anxiety and intercultural communication emotions as mediators. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 45(3), 491–504.
32. Matera, C, Stefanile, C, Brown, R (2012), Host culture adoption or intercultural contact? Comparing different acculturation conceptualizations and their effects on host members' attitudes towards immigrants. *International Journal of Intercultural Relations*, 36(4), 459–471.
33. Mo, H. W (2008), On film cultural and intercultural awareness. *Film Literature*, 14, 145–146.
34. O'Dowd, R (2007), Online intercultural exchange: an introduction for foreign language teachers. *ELT Journal*, 95(1), 167–169.
35. Oxford: Pergamon, Connolly, D (2000), What now for the contact hypothesis? Towards a new research agenda. *Race, Ethnicity & Education*, 3(2), 169–193.
36. Pettigrew, T. F (1986), The intergroup contact hypothesis reconsidered. In M. Hewstone, & R. Brown (Eds.), *Contact and conflict in intergroup encounters* (169–195). London: Basil Blackwell.

37. Pettigrew, T. F (2008), Future directions for intergroup contact theory and research. *International Journal of Intercultural Relations*, 32(3), 182–199.
38. Pettigrew, T. F, Tropp, L. R (2000), Does intergroup contact reduce prejudice? In S. Oskamp (Ed), *Reducing prejudice and discrimination* (93–115). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
39. Pettigrew, T. F, Tropp, L. R (2011), *When groups meet: the dynamics of intergroup contact*. New York: Psychology Press.
40. Sandage, S. J, Jankowski, P. J (2013), Spirituality, social justice, and intercultural competence: mediator effects for differentiation of self. *International Journal of Intercultural Relations*, 37 (3), 366–374.
41. Smith, C. B (1994), Back and to the future: the intergroup contact hypothesis revisited. *Sociological Inquiry*, 64(4), 438–455.
42. Stephan, W. G (1987), The contact hypothesis in intergroup relations. In C. Hendrick (Ed), *Review of personality and social psychology* (13–40).
43. Vezzali, L, Crisp, R. J, Stathi, S, Giovannini, D (2015), Imagined intergroup contact facilitates intercultural communication for college students on academic exchange programs. *Group Processes & Intergroup Relations*, 18(1), 66–75.
44. Wang, T. J (2010), *Qualitative research on Chinese college students' intercultural contact on campus*. Shanghai, China: Shanghai International Studies University [Unpublished dissertation].
45. Yashima, T (2010), The effects of international volunteer work experiences on intercultural competence of Japanese youth. *International Journal of Intercultural Relations*, 34(3), 268–282.
46. Zhang, K. Z, Cheung, C. M, Lee, M. K (2012), Online service switching behavior: the case of blog service providers. *Journal of Electronic Commerce Research*, 13(3), 184–197.